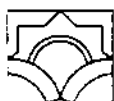




ایران در پیش از تاریخ

باستان شناسی ایران از آغاز تا سده دوم شریانی

دکتر صادق ملک شریانی



بیتان نور

۱۳۹۱

سرشناسه : ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور : ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی / صادق ملک شه میرزادی.
مشخصات نشر : تهران : سبحان نور، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۵۸۴ ص.
شابک : ۹-۴۴-۲۷۴۵-۹۶۴-۹۷۸-۱۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : چاپ دوم.
یادداشت : چاپ قبلی: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۷۸.
موضوع : باستان‌شناسی--ایران -- تاریخ
موضوع : ایران -- جغرافیای تاریخی
موضوع : ایران -- آثار تاریخی
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۱۹ الف ۷/م DSR۴۴
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۳۸۱۸۵



اداره کل روابط عمومی و امور فرهنگی
اداره برنامه ریزی نشر



سبحان نور

ایران در پیش از تاریخ باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی

مؤلف : دکتر صادق ملک شه میرزادی
نوبت چاپ : اول سبحان نور ۱۳۹۱
لیتوگرافی، چاپ، صحافی : نادر، شریف، ایران زمین
شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه
شابک : ۹-۴۴-۲۷۴۵-۹۶۴-۹۷۸
قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، کوچه بهشت آئین، پلاک ۸، واحد ۳

تلفن: ۶۶۹۵۰۸۷۱ - ۶۶۴۸۱۶۴۱ - ۹۱۳۴۲۳۰۷۹۵

مقدمه

سرزمین کهنسال ایران با فرهنگ غنی و تمدنی درخشان و تاریخی، همواره کانون پژوهش های علمی و تحقیقات باستان شناسی و فرهنگی بوده است. به همین علت هم از دیرباز پژوهشگران، دانش وران، شرق شناسان، سیاحان خارجی و علاقه مندان به فرهنگ و هنر مشغول به این سرزمین افسانه ای چشم دوخته اند.

موزه های بزرگ و معروف جهان نیز بخش مهمی از فضاهاى فرهنگی خود را به نمایش و معرفی هنر و آثار فرهنگی ایران اختصاص داده و مراکز تحقیقاتی خاصی را بدین منظور تأسیس کرده اند و دانشگاه های معتبر دنیا هم بخش های ویژه ای را جهت شناختن تمدن و فرهنگ ایران دایر نموده اند. این همه توجه و دقت پیگیر در شناخت میراث اصیل فرهنگی ایران نشانه بارز از جای فرهنگی و وسعت و پیچیدگی و هنر در دوران های مختلف این سرزمین کهنسال است.

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تلاشی دارد تا علاوه بر آشنا ساختن مردم با ارزش های گرانبار تاریخ و فرهنگ این سرزمین به تبادل اطلاعات تخصصی در سطح بین المللی دست یازد و از دیگر سو با انتشار معارف و نتایج پژوهش های انجام یافته و همچنین تحقیقات علمی جدید، این رسالت بزرگ را به انجام رساند. بی تردید استمرار این شیوه که به زعم ما افق های گمشده ای را پیش چشم خواستاران آداب و ارزش های فرهنگی ایران اسلامی خواهد گشود، تنها در پرتو همراهی و همدلی فرهیختگان و دانش پژوهان این ملک و دریافت آراء و نظرات صاحبان و نقادان آنان درباره انتشارات سازمان و از جمله کتاب حاضر، میسر خواهد بود.

مسعود شریبی

سرپرست دره کل روابط عمومی و امور فرهنگی
سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری

فهرست مطالب

۱۱	به چاپ دوم
۱۳	ر و اعتذار
۱۵	گفتار
۲۰	تابع و یادداشت‌ها
۲۱	فوند مطالعات باستان‌شناسی در ایران
۵۷	تابع و یادداشت‌ها
۷۹	از دیدگاه باستان‌شناسی
۹۵	به بندی ایران از دیدگاه جغرافیای تاریخی
۹۷	به بندی ایران از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی
۱۰۵	تابع و یادداشت‌ها
۱۰۹	بی آثار باستانی ایران، اصطلاحات و مفاهیم
۱۱۷	تابع و یادداشت‌ها
۱۱۹	در دوران جمع‌آوری غذا
۱۱۹	- دوران پارینه سنگی جدید، دوره زیرین
۱۲۱	- دوران پارینه سنگی جدید، دوره میانی
۱۲۴	- دوران پارینه سنگی جدید، دوره زیرین
۱۲۹	ران در دوران گردآوری غذا، دوره فراپارینه سنگی
۱۳۲	- حوضه رودخانه کور مرودشت فارس
۱۳۲	- غار خر
۱۳۳	- پناهگاه سنگی و رواسی
۱۳۵	- غار کونجی
۱۳۶	- کوه‌دشت لرستان
۱۳۷	- دره هولیلان
۱۳۸	- غار علی‌تپه
۱۴۰	تابع و یادداشت‌ها
۱۴۷	در دوران تولید غذا و استقرار در روستاها
۱۶۱	تابع و یادداشت‌ها

بررسی آثار باستانی ایران از دوره نوسنگی تا سپیده دم شهرنشینی

منطقه ۲

منطقه ۱، حوزه فرهنگی الف

تپه علی کش

تپه سبز

تپه موسیان

تپه اشرف آباد

تپه سفید

چغا سفید

تپه خزینه

تپه فرخ آباد (تپه فخرآباد)

منطقه ۱، حوزه فرهنگی ب

جعفر آباد

تپه جوی

تپه بندبال

بوهلان

شوش

منطقه ۱، حوزه فرهنگی ج

چغا بنوت

چغامیش

تپه تولایی

تل قضیر

منابع و یادداشت ها

منطقه ۲

تپه آسیاب

تپه سراب

تپه سیابید و تپه موریان

تپه عبدالحسین

تپه گنج دره

تپه گوران

سه کابی

۷۱	تپه گیان
۷۶	گودین تپه
۷۸	منابع و یادداشت ها
۸۳	منطقه ۳
۸۶	حاجی فیروز
۹۲	دالما تپه
۹۸	پیزدلی تپه
۱۰۰	تپه سیوان
۱۰۱	یانیک تپه
۱۰۴	تپه اهرنجان
۱۰۶	منابع و یادداشت ها
۱۰۹	منطقه ۴
۱۱۰	غار کمر بند
۱۱۲	غار هاتو
۱۱۴	منابع و یادداشت ها
۱۱۷	منطقه ۵
۱۱۷	تپه زاغه
۱۲۷	سیلک
۱۵۰	تپه سنگ چخماق
۱۵۴	چشمه علی
۱۵۹	سایر محل های معرف دوره استقرار در روستاها در منطقه ۵
۱۵۹	سایه بوم
۱۶۰	کله دشت
۱۶۰	مسره
۱۶۱	قلعه دختر
۱۶۱	قم
۱۶۱	قمرود
۱۶۲	محمد آباد
۱۶۲	چشمه بلبل
۱۶۳	محمودیه
۱۶۳	ازبکی

۳۶۴	به سرخاب
۳۶۵	تپه و سیاه تپه
۳۶۵	روشنه لان تپه (اسماعیل آباد = اسمعیل آباد)
۳۶۸	رلکین
۳۶۸	بینک
۳۶۹	به شغالی
۳۶۹	رته تپه (شهریار)
۳۷۲	هران آباد
۳۷۳	ششت دامغان
۳۷۳	نوریان
۳۷۴	سیخ تپه دلازیان
۳۷۴	سیر آشیان
۳۷۴	ومس
۳۷۵	ورنگ تپه
۳۷۶	یاریم تپه
۳۷۸	نو و جیتون
۳۷۸	نو
۳۸۰	جیتون
۳۸۲	ق تپه
۳۸۵	تپه شورابه
۳۸۸	یان تپه
۳۹۱	منابع و یادداشت ها
۴۰۳	لقه ۶
۴۰۳	لقه ۷
۴۰۴	منابع و یادداشت ها
۴۰۵	لقه ۸
۴۰۵	تل ابلیس
۴۱۶	تپه یحیی
۴۲۱	چاه حسینی
۴۲۲	سایر محل های منطقه ۸ که معرف دوره استقرار در روستاها هستند
۴۲۲	بررسی های سال ۱۳۴۲ خورشیدی

۴۲۲	رسی های سال ۱۳۴۶ خورشیدی
۴۲۳	رسی های سال ۱۳۵۵ خورشیدی
۴۲۵	تابع و یادداشت ها
۴۲۹	۹
۴۳۱	باکون
۴۴۰	بایر محل های باستانی منطقه
۴۴۱	هوشکی
۴۴۵	جری
۴۵۰	گپ
۴۵۲	نخودی
۴۵۸	تابع و یادداشت ها
۴۶۳	پایانی
۴۶۹	تابع و یادداشت ها
۴۷۱	ت ۱ - باستان شناسی چیست ؟
۵۰۰	تابع و یادداشت ها
۵۰۵	ت ۲ - تعیین قدمت آثار باستانی به روش کربن ۱۴
۵۰۸	تابع و یادداشت ها
۵۰۹	ت ۳ - گاهنگاری پیش از تاریخ جنوب غرب ایران
۵۲۴	تابع و یادداشت ها
۵۲۹	ت ۴ - گاهنگاری پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران
۵۴۱	تابع و یادداشت ها
۵۵۱	ت اعلام

مقدمه چاپ دوم

با سپاس فراوان از کسانی که در تجدید چاپ این کتاب همت کرده‌اند، مخصوصاً جناب آقای جلیل گلشن معاونت محترم پژوهشی که مصراحتاً پیگیر مسئله بوده‌اند. برای جلوگیری از تطویل کلام تنها به چند مورد باختصار اشاره خواهم کرد.

۱- کتاب حاضر مجلد اول از یک مجموعه دو جلدی است که جلد دوم آن را نقشه‌ها، طرح‌ها، جداول، شکل‌ها و تصاویر تشکیل می‌دهند.

۲- پس از چاپ مجلد اول تهیه مجلد دوم را در دست داشتیم که به سبب اشتغال در کاوش در آق تپه گنبد کاووس در پاییز سال ۱۳۷۹ پیگیری امر به تعویق افتاد و تمام وقتم صرف چاپ گزارش کاوش در آق تپه شد.

۳- پس از چاپ و انتشار گزارش کاوش در آق تپه در اسفند ماه ۱۳۷۹، به توصیه و سفارش جناب آقای مهندس سید محمد بهشتی، ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور مأموریت پیدا کردم تا برای سازمان دهی سیلک کاشان طرحی تهیه کنم که نهایتاً به صورت «طرح بازنگری سیلک» درآمد و از دی ماه سال ۱۳۸۰ تا کنون سرپرستی و اجرای آن را بر عهده دارم.

۴- هم‌اینک که این مقدمه نوشته می‌شود سومین فصل پژوهش طرح در سیلک به پایان رسیده است و در فاصله بین هر فصل تمام وقتم صرف چاپ گزارش فصل‌های قبل شده است به طوری که تا کنون به همت و پشتکار و سخت‌کوشی همکاران عزیزم در پاییز ۱۳۸۱ گزارش فصل اول با عنوان «زیگورات سیلک» و در زمستان ۱۳۸۲ گزارش فصل دوم با عنوان «نقشه‌کاران سیلک» چاپ و منتشر شده است.

۵- در فرصت کوتاهی که ناشر تجدید چاپ در اختیارم قرار داده است تنها موفق شدم که اطلاعاتی درباره سه محل پیش از تاریخی آق تپه، تپه شورابه و یان تپه را به آخر منطقه اضافه نمایم و آخرین ویرایش گاهنگاری فلات مرکزی ایران را نیز جایگزین مطلب قبلی نمایم. برای اینکه در شکل اصلی ارجاعات منطقه تغییری داده نشود و منابع سه محل جدید را در پانویست مطلب آورده‌ام.

۶- امیدوارم بتوانم به یاری حق فرصتی به دست آورم تا هر چه زودتر مجلد دوم را هم برای چاپ آماده

نمایم.

در خاتمه از مشوقان اصلی ام که اکثر آنها را دانشجویان رشته باستان‌شناسی دانشگاه‌های کشور تشکیل می‌دهند و همکاران و همراهان بسیار عزیزم در «طرح بازنگری سیلک» و هم چنین از آقای جلیگلشن که مرا به تن در دادن به تجدید چاپ، با تمامی کمبودها و نواقص آن که تاکنون موفق به رفع آن نشده‌ام، ترغیب و تشویق کرده‌اند و هم چنین از آقای رنجبر شورابی و همکاران محترم ایشان بسیا سپاسگزارم.

توفیق هر چه بیشتر باستان‌شناسان جوان ایران را از درگاه ایزد منان آرزو و این تجدید چاپ را به آن تقدیم می‌کنم.

صادق ملک شهمیرزادی

سیلک، کاشان

بهمن‌ماه ۱۳۸۲

بنام خداوند جان و خرد

تشکر و اعتذار:

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم

"حافظ"

از خداوند مهربان که مرا در نیل به یکی از آرزوهایم که تهیه این کتاب بوده است، بالذعان به تعامی کاستی‌های آن، موفق گردانیده است به نهایت سپاس گزارم. اندیشه تهیه چنین کتابی بر می‌گردد به سال‌های اولی که تدریس در سی رابا عنوان "باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران: از آغاز تا پایان دور استقرار در روستاها" از اردیبهشت سال ۱۳۵۸ خورشیدی در گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران عهده دار شدم. هر چند این کتاب نتیجه سال‌ها تحصیل و تدریس و پژوهش من است. ولی با این همه خالی از کاستی نیست و به قول لسان العجب:

"شرمم از خرقه آلوده خود می‌آید که بر او وصله بعد شعبده پیراسته ام"

ولی با وجود کاستی‌های موجود، آنهایی که در به ثمر رسیدن کوشش‌م دخالت داشته‌اند که نیستند. بعد از مادرم، که مقام او بالاتر و بالاتر از آن است که خوارسته باشم از او تشکر کرده باشم، باید از عمومی مهربانم مرحوم غلامعلی منک شه میرزادی یادی کرده باشم که بعد از فوت پدر تربیت و سرپرستی مرا بعهد گرفت و تا واپسین دم حیات ذره‌ای و لحظه‌ای از راهنمایی و ارشادم کوتاهی

نکرد. برای او و همه معلمان، آموزگاران، دبیران و استادان درگذشته‌ام، که خود را همیشه مروهون محبت‌های‌شان می‌دانم، از درگاه ایزد متعال طلب آمرزش و بخشایش می‌کنم. برای زندگان نیز طول عمر همراه با سلامت و عزت آرزو دارم.

در تمام مدت که مشغول نوشتن این کتاب بودم برای رفع خستگی و تجدید قوای روحی به عکسی که در زمان برگزاری گردهم‌آیی سال ۱۳۵۶ در شوش از سه استاد دکترا عزت‌الله نگهبان، دکتر رابرت ایسون و دکتر هلن کنتور، که تصادفاً و به همان ترتیب که نام عزیزشان آمد در کنار هم ایستاده بودند، برداشته بودم و در قاب چوبی کوچکی روی دیوار روبرویم نصب شده بود نگاه می‌کردم و از روح بزرگ و انسانی آنها طلب همت می‌کردم.

از آقای مهندس سید محمد بهشتی، رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور، و آقایان جلیل گلشن، معاون پژوهشی و ناصر نوروززاده چگینی، رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور که امکانات لازم را برای چاپ و نشر این نوشتار فراهم کردند بسیار سپاسگزارم. اگر توجه و مراقبت و تشویق‌های همسرم ناهید نبود هیچگاه فرصت‌های لازم برای من برای پرداختن به کارهایی از این قبیل فراهم نمی‌آمد. هر چند ارزش همکاری، توجه و مراقبت‌های او بیش از اینها است ولی دوست دارم این نوشته را به عنوان هدیه کوچکی به او تقدیم کنم.

صادق ملک شه میرزادی

پیشگفتار:

انسان تنها موجود با شعوری است که قادر است و می‌تواند به مطالعه در احوال خود به پردازد و در پی شناخت فرهنگ و مراحل آغازین زندگی خویش بر آید. ولی با این وجود، به تحقیق نمی‌توان گفت انسان از چه زمانی نسبت به اطلاع از گذشته و پیشینه خود احساس کنجکاوی کرده و علاقه نشان داده است. در آغاز امر، شیوه شناخت مراحل نخستین زندگی انسان با معاینه علمی که امروزه در انسان‌شناسی و باستان‌شناسی اعمال می‌شود منطبق نبوده و صرفاً از حس کنجکاوی انسان منشاء می‌گرفته است. احساس کنجکاوی نسبت به گذشته در انسان اندک اندک از معاینه تاریخی جنبه مادی بخود گرفت و در مسیری جدید قرار گرفت و از محدوده گروه خاص و قلمرو جغرافیایی معین خارج شد و بصورت علم تجلی پیدا کرد. برای روشن شدن این موضوع که شناخت گذشته هدفی غیر علمی داشته و محدود به گروه خاص یا محدوده جغرافیایی معینی نمی‌شده است تنها به دو نمونه اشاره می‌شود. ابوالحسن علی ابن حسین مسعودی در سال ۳۳۲ هجری قمری در باره گنج‌یابی در مصر چنین نوشته است:

“از جمله اخبار دفینه‌ها، حکایتی است که یحیی بن بکر نقل کرده. گویند عبدالعزیز بن

مروان از جانب برادر خود عبدالملک بن مروان حکومت مصر داشت و مردی به دعوی نصیحت و خیراندیشی پیش وی آمد و چون پرسید نصیحت و خیراندیشی او چیست؟ گفت: "زیر فلان گنبد گنجی بزرگ هست." عبدالعزیز گفت: "نشان راستی این سخن چیست؟" گفت: "اگر کمی حفر کنیم سنگ فرشی از مرمر و سنگ سپید نمودار شود آنگاه در نتیجه حفاری به جایی میرسیم که باید یک در مسی را بکنیم که زیر آن یک ستون طلاست و بالای ستون نیز خروسی از طلاست و دو چشم یاقوت دارد که با خراج دینار برابر است و بالهای خروس رابه یاقوت و زمرد مرصع کرده اند، و پنجه های آن به لوحه های طلاست که بالای ستون است." عبدالعزیز بفرمود تا هزار دینار برای مخارج و دستمزد حفاران و کارگران به او دادند. و در آنجا تپه ای بزرگ بود. و حفره ای بزرگ در زمین بکنند و نشانه هایی که مذکور افتاد، از سنگ سپید و مرمر نمودار شد و عبدالعزیز به کار علاقه مندتر شد و خرج را بیشتر کرد و مروان مردان فراوانی برگماشت. در کار حفاری به جایی رسیدند که سر خروس نمودار شد و ...^(۱)

کشیش جبروفا باربارو (Josaphot Barbaro) که از ریز ایتالیا سفر خود را آغاز کرد و در داخل مملکت تاتارها به سیر و سیاحت پرداخت ذیل اتفاقات سال ۱۴۳۷ میلادی چنین می نویسد:

"در آنجا ما را به دانستن این نکته خرسند کردند که در یکی از آن تپه های کوچک گنجی نهفته است، زیرا در هنگامی که آقای پیترو لاندو (Pietro Lando) کنسول ما در تانا (Tana) بود مردی به نام قطب الدین از قاهره آمده بود و گفت بود از زنی تاتار شنیده بود که در یکی از آن تپه های کوچک، به نام قوم تپه [تپه ریگ] آلانها (Alania) گنجی گران نهفته اند و آن زن اثبات مدعای خویش را نشانه های تپه زمینی که تپه در آن قرار داشت به وی داده بود. پس این قطب الدین بر عهده گرفته بود که سوراخها و گودالهای چاه گونه ای در نقاط مختلف این تپه پدید آورد و پس از دو سال کار مرده بود. مردمان چنین می پنداشتند که قطب الدین به سبب تنگ دستی به یافتن گنج کامیاب نشده بود. در سال ۱۴۳۷ م. (۸۴۲ هـ) در شب عید کاترین پاک که بازرگانان ونیزی مقیم تانا با هم نشسته بودند درباره گنج یابی و زمین کاوی قطب الدین به بحث و جدل پرداختند پس همگی یکدل و یک زبان با یاد کردن سوگند و نوشتن سوگند نامه ای که کاتارینو کنتارینی (Catarino Contarini)

تحریرش را بر عهده گرفت و باید نسخی از آن را در این کتاب عرضه کنم بر آن شدم
که در آن تپه به کند و کاو پردازیم و پس از آنکه در این معنی متفق گشتیم صد و بیست
تن را اجبر کردیم که بدان قصد و مقصد همراه ما شوند و به هریک ماهانه سه درکات
(Ducat) مزد مقرر نمودیم.^(۴)

همانطور که ملاحظه می شود در هر دو مورد هدف و انگیزه اصلی ثروت اندوزی بوده است و
بس. به تدریج مطالعات باستان شناسی با کنجکاوی مبلغان مذهبی و جهانگردان و سیاحانی که از
نقاط مختلف باستانی دیدن می کردند در آمیخت. علت اصلی این چنین آمیختگی آشنایی آنها با متون
مذهبی و تاریخی بود.

یکی از جذاب ترین نقاط دیدنی جهان باستان شهر باستانی بابل بود که از طریق عهد عتیق
(تورات) و گزارشها و نوشته های مورخان قرن پنجم پیش از میلاد مانند هرودوت و کتزیاس
اطلاعاتی درباره آن شهر در دست بود. شهرت اصلی این شهر به دلیل زیگورات (Ziggurat) معروف
آن بود که بنای برج ماندی بود و دربار این معبد پله پله در "سفر پیدایش"، باب یازدهم، آیه چهارم
تورات چنین نوشته شده است:

"و گفتند برویم، شهری بسازیم با برخی که بام آن به بهشت برسد."^(۵)

یونانی ها از طریق متون تاریخی با این شهر تا به آن درجه آشنایی داشتند که در سال ۳۳۲ میلادی
اسکندر مقدونی ده هزار سرباز را برای پاک کردن سطح خرابه های شهر بابل به کار گماشته بود.^(۶)
برج بابل در حقیقت بقایای زیگورات الهه ایشtar بود که به تدریج آنجا ویران شده بود که بصورت
تل خاکی در آمده بود. در سال ۱۵۷۲ میلادی یک پزشک و طبیعی دان آلمانی به نام لئونارد راولف
(Leonard Rauwl) از بقایای این برج دیدن کرد و ده سال بعد درباره آن نوشت:

"برج بابل را هنوز می توان مشاهده کرد، ولی ویرانی تا بدان حد است که از برج
تقریباً چیزی باقی نمانده است. اطراف شهر به وسیله شنهای روان پوشیده شده
است و درندگان و جانوران وحشی خطرناک به قدری زیاد هستند که کسی را یاری
نزدیک شدن به حدود نیم میلی پیرامون شهر نیست. در میان این جانوران درنده
باید از حیوانی نام برد که به زبان فارسی آنها را بزجه می گویند و آنها مارمولک های
بزرگی هستند که دارای سه سرند."^(۷)

یکی دیگر از جهانگردان که از نزدیک از بقایای ویرانه شهر بابل و برج مشهور آن دیدن کرد و
سپس در ادامه سفرش به ایران آمد و اولین گام را در کشف رمز خواندن خطوط میخی فارسی باستان

برداشت جهانگرد مشهور ایتالیایی پیترو دلاواله (Pietro Della Valle) بود. دلاواله سفرنامه سه جلدی خود را در سال ۱۶۵۸ میلادی منتشر کرد که در آینده درباره اهمیت تلاشهای او بحث خواهد شد.^(۱)

باین ترتیب باستان‌شناسی و مطالعات باستان‌شناسی که در آغاز امر جنبه ارضاء احساس کنجکاوی داشت، به تدریج با تحولات و دگرگونی‌هایی روبرو گردید تا اینکه سرانجام از حدود نیمه دوم قرن بیستم میلادی بصورت یک شعبه کاملاً مستقل علمی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی درآمد.

روند مطالعات باستان‌شناسی در ایران نیز سیر تحول و تطور تکاملی خود را طی کرده است، که در این کتاب مستقلاً به این موضوع خواهیم پرداخت. در این نوشتار سعی نگارنده این خواهد بود تا علاوه بر اشاره‌ای اجمالی بر چگونگی تحولات و دگرگونی‌های علم باستان‌شناسی و ذکر شمه‌ای از روند تحولات مطالعات باستان‌شناسی در ایران و همچنین چگونگی شکل‌گیری موسسات مربوط به آن، آثار فرهنگی ایران را از آغاز تا پایان استقرار در روستاها یعنی از دوران پارینه‌سنگی تا سپیده دم شهرنشینی در ایران، در حدود ۷۰۰۰ سال پیش، مورد بررسی قرار دهد.

لازم به یادآوری است که قسمتهایی از نوشتار حاضر قبلاً بصورت مقالات متعدد در نشریات اختصاصی باستان‌شناسی داخلی و یا خارجی و همچنین در مجموعه مقالات کنگره‌ها و گردهم‌آیی‌های مختلف باستان‌شناسی داخلی و خارجی چاپ و منتشر شده‌اند و بعضاً مورد نقد و بررسی نیز قرار گرفته‌اند. در این نوشتار بازنگری و تجدید نظرهایی بعمل آمده است و در مواردی نیز مطالب قبلی تا سرحد امکان روز آمد شده‌اند. بخش‌هایی از این نوشتار نیز پیش از این بصورت جزوات درسی تهیه و تکثیر و در اختیار دانشجویان دوره‌های کارشناسی (لیسانس) و کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) قرار گرفته‌اند. در سال ۱۳۷۳ تعدادی از آن جزوات درسی در یک مجموعه یک جلدی تحت عنوان "مجموعه درس باستان‌شناسی و هنر پیش از تاریخ" چاپ و منتشر شده است و چاپ دوم آن نیز در سال ۱۳۷۵ در اختیار دانشجویان قرار گرفته است.^(۷)

توضیحی کوتاه درباره کتابنامه و ارجاعات نیز بی مورد نخواهد بود. اولاً به هیچ عنوان مطلبی از کتابی، مقاله‌ای و یا هر نوع نوشته چاپ شده و منتشر شده‌ای را که شخصاً نخواندم از شخص ثالث نقل نکرده‌ام. یعنی به صورت ارجاع به ارجاع صورت نگرفته است. ثانیاً نسخه‌ای از تمامی منابع و مآخذ چاپی مورد استفاده در این کتاب را، که در پایان متن آمده است، می‌توان در یکی از سه کتابخانه ۱- موزه ایران باستان، ۲- موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و ۳- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به

دست آورد. ثالثاً اگر موردی وجود داشت که باید مبتنی و مستند به سند باشد شخصاً تصویری (اعم از فتوکپی و یا زیراکس) از آن سند را در اختیار دارم. از اسناد و مدارکی هم که وجود داشته‌اند و من شخصاً آنها را رویت کردم ولی تصویری از آنها را در اختیار ندارم ابداً مطلبی در این نوشتار نقل نشده است. و رابعاً از قول شفاهی هیچ کس، حتی استادانم که خود را همیشه سرهون محبت‌های ایشان می‌دانم و در همین جا از یکایک آنها تشکر می‌کنم و برای رفتگان از درگاه ایزد منان طلب رحمت و آمرزش و برای ماندگان آرزوی طول عمر همراه با عزت و سعادت و آسایش دارم. مطلبی را نقل نکرده‌ام مگر آن قول بصورت مکتوب بوده است. در این خصوص لازم می‌دانم به موردی اشاره نمایم تا صدق گفتارم روشن شود. وقتی مقاله‌ای را نوشته بودم و قبل از چاپ آنرا جهت اظهار نظر خدمت استاد محترم شافروان سید محمد محیط طباطبایی که رحمت خدا بر او باد داده بودم، مرحوم استاد در حاشیه آن مقاله یادداشت‌هایی را به خط خود ثبت کرده بودند که من آن یادداشت‌ها را با اجازه استاد بصورت پیوستی در انتهای مقاله‌ام نقل کرده بودم و در این کتاب نیز در جای خود خواهد آمد. علت این امر هم در این است که آن اطلاعات ۱- ارزش تاریخی دارند، ۲- مکتوب هستند و ۳- قبلاً در جایی چاپ و منتشر نشده بودند و می‌توانستند بصورت مقاله‌ای مستقل چاپ و منتشر شوند.

در نوشتن این کتاب سعی نگارنده بر این بود که مطالب تا سرحد امکان و بطوریکه از نظر علمی لطمه‌ای وارد نشود ساده باشد تا بتواند مورد استفاده علاقه‌مندان غیر متخصص نیز واقع گردد. در اواسط بازنویسی یکی از بخشهای کتاب بودم که لازم شد تا به برخی از متون کهن فارسی مراجعه نمایم. ضمن این جستجوها به کتابی از ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی مشهور به ابن فقیه برخورددم. او در مقدمه کتاب خود، که آنرا در سال ۲۹۵ هـ (۹۵۳ م.) تألیف کرده است، چنین نوشته بود:

«گویند: هر کس کتابی کرد خویشتن آماج ساخت. اگر نیکو نوشت، نیکو رای در شمار آمد. اگر بد نوشت بدگویی دید.

نیز گویند:

کس تا کتابی نوشته یا شعری سروده است آسوده است.^(۱۸)

سعی کردم تا بد ننویسم ولی نمی‌دانم تا چه اندازه موفق بوده‌ام.

صادق ملک شه میرزادی

تهران - شهریور ۱۳۷۸

یادداشت‌ها و منابع

- ۱- مسمودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶ [۱۳۵۶]، ص. ۳۵۶.
- ۲- باریارو، جوزافا و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹، ص. ۲۱-۱۹.
- 3- The Holy Bible, Revised Standard Version, Thomas Nelson and Son Ltd., Edinbrough, Great Britan, 1957, p. 7.
- 4- Cream, C. W.,
1970 The March of Archaeology, Alfred A. Knoph, Inc., New York 1958, Paperback edition 1970 (First published 1958), p. 163.
- ۵- همان، ص. ۱۶۶-۱۶۴.
- ۶- همان، ص. ۱۶۷-۱۶۶.
- ۷- ملک شهمیرزادی، صادق. مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر پیش از تاریخ: مبانی باستان‌شناسی، ایران، بین‌النهرین، مصر، محیا، تهران، ۱۳۷۳ (چاپ دوم ۱۳۷۵).
- ۸- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ترجمه مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسمود، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، ص. ۴.